

در حال توسعه کمک کند یا صرفاً امکانی در اختیار آنها قرار دهد تا از طریق مقابل هم قرار دادن کمک‌دهندگان بین‌المللی، گزینه‌های بیشتری برای خود فراهم کنند. در هر حال نتیجه واقعی هر چه باشد، این وضع نشانگر بروز تغییراتی جدی در رژیم کمک‌های بین‌المللی است. برای مثال می‌توان به توقف مذاکرات دریافت کمک میان صندوق بین‌المللی پول و آنگولا در سال ۲۰۰۶ اشاره کرد. در این زمان آنگولا به دنبال کمک مالی بود و کمک‌دهندگان غربی نیز تا زمانی که این کشور سندی دربارهٔ راهبرد کاهش فقر ارائه نکرد و قراردادی با صندوق دربارهٔ فساد و مدیریت اقتصادی ارائه نکرد، کنفرانس کمک‌دهندگان را برگزار نکردند (Taylor, 2006). اما زمانی که چین تمایلش را به ارائهٔ یک وام امتیازی به آنگولا ارائه کرد که تنها شرط آن قرارداد آتی عرضه نفت آنگولا به چین بود، این کشور از صندوق روی برگرداند. چین در پاسخ به انتقادات دربارهٔ عدم طرح شروط هنگام ارائه کمک، خاطر نشان می‌کند که اساساً شفافیت و پاسخگویی حکومت، نتیجه و نه پیش شرط توسعه اقتصادی است و به همین علت در ارائه کمک به این دو موضوع به‌عنوان پیش شرط نمی‌نگرد.

۳-۳-۳. توسعه زیرساخت در برابر توسعه بخش‌های اجتماعی

ایالات متحده و دیگر کمک‌دهندگان سنتی غربی به سبب مسائل مرتبط با فساد و پیوند زدن شروط از ارائه کمک در حوزهٔ ساخت‌وساز خودداری می‌کنند در حالی که چین هر دو را در ارتباط با آفریقا دنبال کرده است. حدود ۴۳ درصد از کمک‌های چین به آفریقا در حوزهٔ توسعه زیرساخت ارائه شده است (Lume et al, 2009). به نظر می‌رسد شرکت‌های چینی پس از اجرای طرح‌های ساخت‌وساز قادرند در موقعیت بهتری قراردادهای تجاری امضا کنند. ظاهراً انگیزه دیگر ناشی از این درک است که آفریقا به زیرساخت بیشتری نیاز دارد. چینی‌ها بر اساس تجربهٔ خاص خودشان در مسیر توسعه، احساس می‌کنند کشورشان از طریق توسعه زیرساخت‌ها، امکان گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مزایای فناوری آن را به دست آورده است (Gorkin, 2007).

در نقطهٔ مقابل تأکید چین بر توسعهٔ این زیرساخت‌ها، کمک‌دهندگان سنتی